

جمع بندی

کلمه‌ای در معنای غیرحقیقی به کار رود ← آرایه مجاز
نشانه‌ای که به غیرحقیقی بودن معنا پی می‌بریم ← قرینه
ارتباط میان معنای حقیقی و غیرحقیقی ← علاقه

درس ۹

استعاره



فرض کنید در موقعیت بدی گیر افتاده‌اید؛ مثلاً سر کلاس آشوبی به پا کرده‌اید و معلم را به‌حدی عصبانی کرده‌اید که دفتر شما را احضار کرده! (اینجا «دفتر» مجاز از چیه؟! و چون دفعه اولتان هم نبوده، اوضاع حساسی «شیر تو شیر» است. در همین لحظه یکی از دبیرانتان (که احتمالاً دبیر ادبیات هست!) وساطت می‌کند و مدیر، معاون و معلم دیگر، این بار هم گذشت می‌کنند. وقتی دارید این ماجرا را برای دوستانتان تعریف می‌کنید و می‌گویید که چه کسی نجاتتان داد، همان لحظه معلم ادبیاتتان را می‌بینید که در راهرو قدم می‌زند و شما به دوستانتان می‌گویید: «اینها! فرشته نجات!» چه اتفاقی در پس ذهن شما افتاد که این ترکیب را برای دبیرتان به کار بردید؟ درست است! شما در ذهن خودتان، «دبیر» را به «فرشته نجات» تشبیه کردید؛ اما آیا گفته‌اید: «معلم مثل فرشته نجات، به دادم رسید؟» نه! شما تنها بخش دوم تشبیه؛ یعنی «مشبه‌به» را به کار برده‌اید.

خب حالا چی؟ هرگاه ما در ذهن خودمان چیزی را به چیز دیگری تشبیه کردیم؛ اما یکی از ارکان اصلی تشبیه؛ یعنی مشبه یا مشبه‌به را حذف نمودیم با آرایه «استعاره» سروکار داریم. این بیت را نگاه کنید:

«مرا برف باریده بر پر زاغ نشاید چو بلبل تماشای باغ»

شاعر می‌گوید که شایسته نیست که مانند بلبل باغ را تماشا کند. چرا؟ چون بر پر زاغ شاعر برف باریده است. به نظرتان منظور از «پر زاغ» و «برف» چیست؟ قطعاً منظور شاعر این نیست که زاغی روی درختی نشسته و برف روی پره‌های او باریده! در اینجا شاعر «موهای سیاه» خود را به «پر زاغ» تشبیه کرده است. وقتی این تشبیه را درک کنیم، متوجه می‌شویم که منظور از «برف» هم «موهای سفید» است؛ پس در اینجا با دو تشبیه روبه‌رو هستیم:

۱. موهای سیاه ← پر زاغ
۲. موهای سفید ← برف

اما در این تشبیه‌ها بخش اول، یعنی مشبه نیامده است؛ بنابراین با «استعاره» روبه‌رو هستیم.

مشث نمونه خروار

☆ «شمس و قمرم آمد، سمع و بصرم آمد وان سیم‌بزم آمد، وان کان (معدن) زرم آمد»

شاعر می‌گوید: خورشید و ماه من، گوش و چشم من، آن کسی که آغوشی (بر) از نقره دارد و معدن طلاست، آمد. منظور از این‌ها کیست که انقدر برای شاعر عزیز و مهم است؟ بله، معشوق! در اینجا معشوق (مشبه) به شمس، قمر، سمع، بصر، سیم‌بزم و کان زر تشبیه شده است (مشبه‌به)؛ اما طرف مشبه حذف شده؛ بنابراین این واژگان همگی استعاره از معشوق هستند.

☆ «بخت آن نکند با من کان شاخ صنوبر را بنشینم و بنشانم، گل بر سرش افشانم»

قطعاً منظور شاعر این نیست که شاخه‌ای از درخت صنوبر را در جایی بگذارد (بنشانند!) و گل روی آن بریزد! شاعر محبوب خود را به شاخه‌ای از درخت صنوبر (به‌خاطر راست‌قامتی و خوش‌قامتی) تشبیه کرده و در گفتار نهایی، طرف اول تشبیه (مشبه)، حذف و «شاخ صنوبر»، استعاره‌ای از «محبوب» شده است.

یک نکته ریز! اگر به مثال‌های قبل توجه کرده باشید، حتماً متوجه شده‌اید که شباهت زیادی میان استعاره و مجاز وجود دارد؛ چون واژگان در معنای غیرحقیقی خود به کار رفته‌اند.

در همان مثال قبلی، «شاخ صنوبر» در معنای حقیقی خود؛ یعنی «شاخه درخت صنوبر» به کار رفته است. ← مجاز و ارتباطی که میان شاخ صنوبر و معنای غیرحقیقی آن (معشوق) وجود دارد، رابطه شباهت است.

← می‌توانیم بگوییم که استعاره‌های حاصل از حذف مشبه همگی مجاز با علاقه شباهت هستند!

??

محک بز نیم

در ابیات زیر استعاره‌ها را مشخص کنید.

- ۱ دهقان سالخورده چه خوش گفت با پسر
- ۲ ما ز آغاز و ز انجام جهان بی‌خبریم
- ۳ باغ مرا چه حاجت سرو و صنوبر است
- ۴ هر کاو نکاشت مهر و ز خوبی گلی نجید
- ۵ قضا چون ز گردون فروهشت پر

یاقتها

۱ در مصراع دوم، «ای نور چشم من» در خطاب به «پسر» آمده؛ در واقع «پسر» به «نور چشم» تشبیه شده است. در اینجا شاید از خودتان پرسید که واژه «پسر» در بیت آمده؛ یعنی حذفی صورت نگرفته تا آن را استعاره به حساب بیاوریم ...

یک نکته ریز: حواستان باشد که ما استعاره را در قالب یک جمله بررسی می‌کنیم و به جمله‌های قبل یا بعد آن کاری نداریم. در این بیت جمله‌ها بدین گونه است:

دهقان سالخورده با پسر چه خوش گفت. ای نور چشم من! به جز از کشته ندروی.

جمله ۳

جمله ۲

جمله ۱

در جمله دوم، خبری از «پسر» به عنوان «مشبه» نیست؛ تنها در جمله قبل توضیح این آمده که منظور از نور چشم کیست. (در واقع یک جور کمک به حساب می‌آید.)

۲ در مصراع دوم واژه «کهنه کتاب» با توجه به مصراع اول، استعاره از «جهان» است. (مانند مثال قبل، باید استعاره را در جمله‌ای مستقل بررسی کنیم.)

۳ شاعر می‌گوید: باغ من نیازی به درخت برای زیبایی ندارد؛ چرا که شمشاد است که در خانه من تربیت شده از تمام آن‌ها بهتر است؛ واقعاً منظور شاعر از «شمشاد خانه‌پرور» درخت شمشاد نیست که تازه آن را هم تربیت کند! پس منظور از «شمشاد»، «محبوب» است.

۴ به مصراع اول دقت کنید: هر کسی «مهر» «نکاشت» و از «خوبی» «گلی نجید».

مهر و محبت کاشتنی است؟! یا خوبی، گل دارد که بتوان از آن چید؟! آن چیزی که کاشته می‌شود، «دانه» است و آنجایی که از آن گل می‌چینند «باغ» است؛ در واقع شاعر «مهر» را به «دانه» و «خوبی» را به «باغ» تشبیه کرده و بخش دوم تشبیه، مشبه به را حذف کرده است.

گفتیم که اگر هر کدام از رکن‌های اصلی، چه مشبه و چه مشبه به حذف شود؛ استعاره داریم.

۵ قضا (سرنوشت) زمانی که پر باز کرد (پرواز) کرد ...

سرنوشت که واقعاً نمی‌تواند پرواز کند! پرند است که پرواز می‌کند؛ بنابراین «قضا» در اینجا به «پرنده» تشبیه شده که پرنده به عنوان مشبه به حذف شده است.



داخل پرانتز: احتمالاً با استعاره‌های پر کاربرد زبان فارسی آشنا هستید: سرو، ماه، غزال (استعاره از معشوق)، لعل، پسته، غنچه (استعاره از دهان)، کمان (استعاره از ابرو) اما این نکته مهم را به خاطر بسپارید که شرط استعاری بودن یک واژه، غیر حقیقی بودن معنای آن است؛ یعنی آن واژه حتماً به علت شباهت به جای لغت دیگر به کار رفته است و اگر کلمه در معنای حقیقی خود استفاده شده باشد دیگر استعاره نیست:

«تا قیامت می‌دهد گرمی به دنیا آتشم آفتاب روشنم نسبت مکن با آتشم»

در این بیت واژه «آتش» که یکی از استعاره‌های پر کاربرد شعر فارسی است به کار رفته است. در مصراع اول این واژه استعاره از اشتیاق و شور عشق دارد اما در مصراع دوم در معنای واقعی خود استفاده شده است.

انواع استعاره

اگر به استعاره‌های ابیات «محک بز نیم» نگاه دوباره‌ای بیندازید، متوجه می‌شوید که بعضی از استعاره‌ها با حذف مشبه و برخی دیگر با حذف مشبه به ساخته شده‌اند.

اگر رکن «مشبه» را حذف کنیم. ← استعاره مصرحه

اگر رکن «مشبه به» را حذف کنیم. ← استعاره مکنیه (پنهان)

یک نکته ریز: معمولاً در «استعاره مکنیه»، «مشبه» با «ویژگی‌های مشبه به» همراه است؛ مثلاً در جمله «به صحرا شدم، عشق باریده بود»، «باریدن» از ویژگی‌های «باران» است، نه عشق؛ از همین فعل «باریدن» متوجه می‌شویم که در پس ذهن، «عشق» به «باران» تشبیه شده است که بخش دوم حذف و ویژگی‌ای از آن آمده است.

حالا بیایید نگاهی به این ابیات و استعاره‌های آن‌ها بیندازیم:

«هر زمانی چنار سوی فلک به مناجات دست بردارد»

اینکه «چنار»، «دست بردارد» (بلند کند) و مناجات کند؛ عادی نیست! در واقع «چنار» به «انسان» تشبیه شده که دعا می‌کند. در اینجا «مشبه» به همراه یکی از ویژگی‌های «مشبه به» یعنی «دست برای دعا برداشتن» آمده است. ← استعاره مکنیه

۷۵۰. در کدام گزینه آرایه تشبیه وجود ندارد؟

- ۱ در آب و گل ز آدم خاکی نشان نبود
- ۲ اگر چه از من مسکین، رقیب در خشم است
- ۳ طومار ندامت است طبع من
- ۴ دل من در هوس روی تو ای مونس جان!

کاغشته شد به آب محبت خمیر ما
تو را نظر چو به عین رضاست، خرده مگیر
حرفی است هر آتشی ز طومارم
خاک راهی است که در دست نسیم افتاده است

۷۵۱. در همه ابیات؛ به جز آرایه تشبیه دیده می‌شود.

- ۱ بگشای تربتم را بعد از وفات و بنگر
- ۲ فراق یار که پیش تو کاهبرگی نیست
- ۳ مزرع عمر مرا آمده هنگام درو
- ۴ قامتش را سرو گفتم، سرکشید از من به خشم

کز آتش درونم دود از کفن برآید
بیا و بر دل من ببین که کوه الوند است
خانه تاراج حوادث شده، جانم به گرو
دوستان! از راست می‌رنجد نگارم، چون کنم؟

۷۵۲. در همه ابیات آرایه تشبیه دیده می‌شود؛ به جز:

- ۱ شمعیم و خوانده‌ایم خط سرنوشت خویش
- ۲ یکی درخت گل اندر میان خانه ماست
- ۳ ذره خاکم و در کوی توام جای خوش است
- ۴ باده گلرنگ تلخ تیز خوشخوار سبک

ما را برای سوز و گداز آفریده‌اند
که سروهای چمن پیش قامتش پست‌اند
ترسم ای دوست! که بادی ببرد ناگه
نقلش از لعل نگار و نقلش از یاقوت خام

۷۵۳. کدام بیت تشبیه ندارد؟

- ۱ گفتمش سلسله زلف بتان از پی چیست؟
- ۲ تا سر زلف پریشان تو محبوب من است
- ۳ ندا به ساقی سرمست گل‌عذار رسید
- ۴ ما سپر انداختیم، گردن تسلیم پیش

گفت حافظ گله‌ای از دل شیدا می‌کرد
روزگارم به سر زلف پریشان ماند
که طرف دشت چو رخسار سرخ مستان شد
گر بکشی حاکمی، ور بدهی زینهار

۷۵۴. در کدام بیت «تشبیه» به کار رفته است؟

- ۱ سری که بر سر گردون به فخر می‌سودم
- ۲ به پای شوق گر این ره به سر شدی حافظ
- ۳ ز سوز شوق دلم شد کباب دور از یار
- ۴ در بیخ مدت عمرم که بر امید وصال

به راستان که نهادم بر آستان فراق
به دست هجر ندادی کسی عنان فراق
مدام خون جگر می‌خورم ز خوان فراق
به سر رسید و نیامد به سر زمان فراق

۷۵۵. در همه گزینه‌ها؛ به جز ادات تشبیه ذکر شده است.

- ۱ گرم در خواب بنمایی رخ چون شعله رخسارت
- ۲ چشمم آهوشش به مخموری
- ۳ چو ماه روی تو در شام زلف می‌دیدم
- ۴ چو آفتاب رخ تو بتافت بر رخ من

به خاک پایت ای دلبر که سر بازم چو پروانه
رنگ از خون شیر می‌ریزد
شیم به روی تو روشن چو روز می‌گردید
گمان فتاد رخم را که هم‌عذار توام

۷۵۶. در همه گزینه‌ها؛ به جز همه پایه‌های تشبیه ذکر شده است.

- ۱ چو آینه‌ست و ترازو خموش و گویا یار
- ۲ چو دریای خون شد همه دشت و راغ
- ۳ ای شاهد افلاکی، در مستی و در پاکی
- ۴ چون شبنم اوفتاده بُدم پیش آفتاب

ز من رمیده که او خوی گفت‌وگو دارد
جهان چون شب و تیغ‌ها چون چراغ
من چشم تو را مانم، تو اشک مرا مانی
مهرم به جان رسید و به عیوق بر شدم

۷۵۷. «وجه‌شبه» در گزینه آورده شده است.

- ۱ تنت را دید گل، گویی که در باغ
- ۲ ماه و خورشید به منزل چو به امر تو رسند
- ۳ گفت حافظ! من و تو محرم این راز نه‌ایم
- ۴ در طبع شهریار خزان شد بهار عشق

چو مستان جامه را بدرید بر تن
یار مه‌روی مرا نیز به من بازرسان
از می لعل حکایت کن و شیرین‌دهتان
زیرا تو خرمن گل و ریحان نیامدی

۷۵۸. در کدام گزینه همه پایه‌های تشبیه وجود دارد؟

- ۱ ایام گل چو عمر به رفتن شتاب کرد
- ۲ یا بهار عمر من رو به خزان خواهد نهاد
- ۳ مژه و ابروی او دیدم و با دل گفتم
- ۴ شاکرم شاکر اگر زهر پیاپی بخشد

ساقی به دور باده گلگون شتاب کن
یا نهال قامت او را به بر خواهم گرفتم
که به جان از پی آن تیر و کمان باید رفت
خوش‌دلم خوش‌دل اگر نیش دمدام دارد

۷۵۹. در کدام گزینه هر چهار پایه «تشبیه» وجود ندارد؟

- ۱ شبی چون شبه روی شسته به قیر
- ۲ به کارخانه یکتایی این چه استغناست
- ۳ گرت ز دست برآید چو نخل باش کریم
- ۴ گفتا برو چو خاک تحمل کن ای فقیه

نه بهرام پیدا، نه کیوان، نه تیر
جهان جلوه‌ای و جلوه روبه‌روی تو نیست
ورت ز دست نیاید چو سرو باش آزاد
یا هر چه خوانده‌ای همه در زیر خاک کن

(تپری ۹۴)

۷۶۰. در منظومه زیر چند تشبیه وجود دارد؟
«مرا هر لفظ فریادی است کز دل می‌کنم بیرون / مرا هر شعر دریایی است لبریز از شراب خون / کجا شهد است این اشکی که در هر دانه لفظ است / مرا این، کاسه خون است / چنین آسان منوشیدش»

- ۱ سه
۲ چهار
۳ پنج
۴ شش

۷۶۱. کدام بیت آرایه تشبیه بیشتری دارد؟

- ۱ به خنده‌ای به بت بادام‌چشم شیرین‌لب
۲ دل که از ناوک مژگان تو در خون می‌گشت
۳ دجله اشک از بهار شوق طغیان کرده است
۴ ماهی که دوش خرمن صبرم به باد داد
- شکر بریزد از آن پسته دهان که تو راست
باز مشتاق کمان‌خانه ابروی تو بود
رازهای سینه را خاشاک طوفان کرده است
امروز برق عشق زد آتش به خرمنش
- (ناوک = نیزه کوتاه)

۷۶۲. کدام گزینه تعداد درستی از مشابه‌ها را نشان می‌دهد؟

- الف) فراش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترده: باد صبا
ب) زنی که گوهر تعلیم و تربیت نخرید / فروخت گوهر عمر عزیز را ارزان: گوهر
پ) در دفتر زمانه فتد نامش از قلم / هر ملتی که مردم صاحب‌قلم نداشت: دفتر
ت) سعدیا، گر بکنند سیل فنا خانه عمر / دل قوی دار که بنیاد بقا محکم از اوست: عمر
ث) دست از مس وجود چو مردان ره بشوی / تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی: کیمیا
ج) سنگ سراجی دل به الماس آب دیده می‌سفتم: سنگ

- ۱ سه
۲ یک
۳ چهار
۴ دو

۷۶۳. درباره ارکان تشبیه در کدام بیت اطلاعات درستی داده شده است؟

- ۱ دیدم به خواب دوش که ماهی برآمدی
۲ دوش دست طربم سلسله شوق تو بست
۳ ماجرا کم کن و باز آ که مرا مردم چشم
۴ باغبان گر پنج روزی صحبت گل بایدش
- کز عکس روی او شب هجران سرآمدی
پای خیل خردم لشکر غم از جا برد
خرقه از سر به درآورد و به شکرانه بسوخت
بر جفای خار هجران صبر بلبل بایدش
- (شب: مشابه)
(سلسله: مشابه)
(مردم: مشابه)
(جفا: مشابه)

۷۶۴. تعداد تشبیه‌ها در تمام گزینه‌ها؛ به جز یکسان است.

- ۱ لبان لعل چون خون کبوتر
۲ رشته صبرم به مقراض غمت بریده شد
۳ رخ گل را که عکس روی یار است
۴ کنون چه چاره که در بحر غم به گردابی
- سواد زلف چون پر پرستو
همچنان در آتش مهر تو سوزانم چو شمع
هوا مشاطه آب آینه‌دار است
فتاد زورق صبرم ز بادبان فراق

۷۶۵. در کدام بیت، طرفین تشبیه، فقط یک کلمه نیست؟

- ۱ خداوند را شبم را روز گردان
۲ شبی دارم سیاه از صبح نومید
۳ ندارم طاقت این کوره تنگ
۴ چو برزد آتش مشرق زبانه
- چو روزم بر جهان پیروز گردان
در این شب روسپیدم کن چو خورشید
خلاصی ده مرا چون لعل از این سنگ
ملک چون آب شد ز آنجا روانه

۷۶۶. آرایه تشبیه در کدام بیت بیشتر است؟

- ۱ عشق به تاراج داد رخت صبوری دل
۲ مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو
۳ زیادتی مطلب کار بر خود آسان کن
۴ چون در شوی در باغ دل، مانند گل خوشبو شوی
- می‌نکنند بخت شور، خیمه ز پهلوی من
یادم از کشته خویشت آمد و هنگام درو
صراحی می لعل و بتی چو ماهت بس
چون بر پری سوی فلک، همچون ملک مه‌رو شوی

۷۶۷. واژه «آفتاب» رکنی از تشبیه بیت زیر است. این واژه در همه گزینه‌ها؛ به جز نیز همان رکن از تشبیه محسوب می‌شود.

- «چو آفتاب می از مشرق پیاله برآید»
۱ ماه خورشیدنمایش ز پس پرده زلف
۲ چو آفتاب رخ تو بتافت بر رخ من
۳ عکس خوی بر عارضش بین کآفتاب گرم‌رو
۴ ز مشرق سر کو آفتاب طلعت تو
- ز باغ عارض ساقی هزار لاله برآید»
آفتابی است که در پیش سجایی دارد
گمان فتاد رخم را که هم‌عذار توام
در هوای آن عرق تا هست هر روزش تب است
اگر طلوع کند طالع‌م همایون است

۷۶۸. در کدام بیت، هر چهار پایه تشبیه ذکر شده است؟

- ۱ مرا ستاره صبحی که هرچه کوشیدم
۲ بی‌تأمل دم مزن کز لب گهر می‌ریزدش
۳ آب چشم و جان شیرین را کجا دارد دریغ؟!
۴ چو پیلی به اسب اندر آورد پای
- شد آخر از نظرم ناپدید، مادر بود
چون صدف هر کس سخن را در دهن می‌پرورد
هر که او را چون خیال دوست مهمانی بود
بیاورد چون باد لشکر ز جای

(انسانی ۸۴)

۱۰۵۶. از دیدگاه تاریخ ادبیات همه موارد ذکر شده درست است، به جز:

- ۱ کلیم کاشانی در غزل‌سرایی مشهور است و لقب «خلاق‌المعانی ثانی» را به دلیل مضمون‌های ابداعی به دست آورده است.
- ۲ مرصادالعباد در بیان سلوک دین و تربیت نفس انسانی نوشته شده و دارای سجع و موازنه است.
- ۳ «حبیب‌السیر» و «احسن‌التواریخ» هر دو از نمونه‌های نثر بینابین در سبک هندی است.
- ۴ ظهیرالدین بابر، کلیله و دمنه را به انشای دوره خود بازگرداند و آن را «انوار سهیلی» نامید.

۱۰۵۷. سراینده کدام بیت نادرست ذکر شده است؟

- ۱ آتش است آب دیده مظلوم
 - ۲ ز منجینق فلک سنگ فتنه می‌بارد
 - ۳ تو این عهدی که با من بسته بودی
 - ۴ دست فلک ز کارم وقتی گره گشاید
- (پروین اعتصامی) (عرفی شیرازی) (طالب آملی) (فروغی بسطامی)

۱۰۵۸. سبک به کاررفته در کدام مورد متفاوت است؟

- ۱ گر دهر هست سرکش با تو کند تواضع
 - ۲ اسیر توست به خاک اندرون مخالف تو
 - ۳ در جهان تیر و کمان گر قلم فرخ توست
 - ۴ سایه قد تو بر قالبم ای عیسی‌دم
- ور چرخ هست توسن با تو کند مدارا
همی ز خاک به آتش برند اسیر تو را
پشت دشمن چو کمان دارد و خود چون تیر است
عکس روحی است که بر عظم رمیم افتاده است
- (عظم رمیم = استخوان پوسیده)

۱۰۵۹. ویژگی‌های «ادبی» سبک هندی در همه ابیات زیر دیده می‌شود؛ به جز:

- ۱ کام‌جویی غیر ناکامی ندارد حاصلی
 - ۲ بین به ساز و مپرس از ترانه‌ای که ندارم
 - ۳ نعت هر کس را همی یکسان شود اصل سخن
 - ۴ صبح از جان‌های روشن یاد می‌آید مرا
- در کف گلچین ز گلشن خار می‌ماند به‌جا
توان به دیده شنیدن فسانه‌ای که ندارم
چون به نعت او رسد اصل سخن دیگر شود
شام از تاریکی تن یاد می‌آید مرا

۱۰۶۰. وزن بیت زیر با کدام گزینه یکسان است؟

- «آنچه ز توست حال من گفت نمی‌توانمش
ما بنده او سلطان ما حکمش روان بر جان ما
فاتحه‌ای چو آمدی بر سر خسته‌ای بخوان
من تحفه از دل می‌کنم نزدیک جانان می‌برم
با چشم پر نیرنگ او حافظ مکن آهنگ او
- چون توبه من نمی‌رسی من به تو چون رسانمش
هست آن او نی آن ما هر چیز کز ما می‌برد
لب بگشا که می‌دهد لعل لب‌ت به مرده جان
ور نیز گوید جان بده من بنده فرمان می‌برم
کان طرّه شبرنگ او بسیار طراری کند

۱۰۶۱. وزن کدام مصراع «غلط» ذکر شده است؟

- ۱ چند خواهی پیرهن از بهر تن: -U - / - -U - / - -U - / - -U -
- ۲ چو بادام و جوش نهی در کنار: -U / - -U / - -U / - -U -
- ۳ شوق رخت پرده عظم درید: -U -U / -U -U / -U -U / -U -U
- ۴ تو گفتی رسته از مزگاننش خنجر: - -U / - - -U / - - -U / - - -U

۱۰۶۲. کدام بیت فاقد وزن دوری است؟

- ۱ هست از دو کعبه امروز دین خدای خرسند
 - ۲ زمزمه هر دم به لب از پی جام پر ز می
 - ۳ ای کعبه به ما از ما نزدیک‌تری اما
 - ۴ چرا از کعبه برگردم که گر خاری بود در ره
- کز فر آن دو کعبه است شاخ هدی برومند
وسوسه بی‌حدم بدل از غم یار نازنین
در چشم شترداران دور است بیابانت
برآرم آه و در یکدم بسوزانم مغیلان را

۱۰۶۳. با توجه به مباحث عروض و قافیه، کدام گزینه در مورد بیت زیر نادرست است؟

- «در شهر بی‌نشانان سلطان چه حکم داند
بیت دارای یک هجای کشیده است.
هجای آغازین هر دو مصراع بلند است.
- ۱ بیت دارای یک هجای کشیده است.
۲ وزن بیت دوری است.
۳ هجای آغازین هر دو مصراع بلند است.
۴ بیت فاقد حذف همزه است.

۱۰۶۴. کدام آرایه‌ها در بیت زیر به کار رفته است؟

- «دل پس از طوف حرم بر در میخانه نشست
جناس - تشبیه - ایهام - مجاز
کنایه - مجاز - تناسب - استعاره
- ۱ تشبیه - کنایه - جناس - ایهام
۲ تشبیه - کنایه - جناس - ایهام
۳ تشبیه - کنایه - جناس - ایهام
۴ تشبیه - کنایه - جناس - ایهام

۱۰۶۵. مجموعاً چند «تشبیه» در ابیات زیر دیده می‌شود؟

- (الف) موج می‌تیغ است بروی جلوه گل آتش است
(ب) دل که چون ترگس مست به شراب افتاده است
(پ) ز اشک و چهره در عشقت همه سال
(ت) عشق با سیلاب پنداری ز یک سر چشمه است
- هر کجا طبع بلند از دهر بی‌حاصل گرفت
دقتر معرفت ماست در آب افتاده است
به سیم و زر تجمّل می‌توان کرد
جای خود ویران کند هر جا دمی منزل گرفت

- ۱ ۸
- ۲ ۹
- ۳ ۷
- ۴ ۶

گزینۀ «۳»: مشبه: خیال دوست / مشبه‌به: مهمان / ادات تشبیه: چون / وجه شبه: -

گزینۀ «۴»: مشبه: او / مشبه‌به: پیل، باد / ادات تشبیه: چو / وجه شبه: -

۷۶۹. **گزینۀ ۳** مشبه: زلف / مشبه‌به: کمند / ادات تشبیه: چون / وجه شبه: -
 حواستان باشد! در گزینۀ «۱»، پسوند «وار» که شباهت را می‌رساند، «ادات تشبیه» است.

۷۷۰. **گزینۀ ۴** در این بیت «پیچیدن» وجه شبه است؛ ویژگی مشترک بین کس و موج، پیچیدن است.

۷۷۱. **گزینۀ ۱** تشبیه‌هایی که در این بیت به کار رفته:
 ۱. آتش آه ← اضافه تشبیهی (فقط رکن مشبه و مشبه‌به را داریم!)
 ۲. روزم چو شب ← مشبه: روز / مشبه‌به: شب / ادات: چو / وجه شبه: -
 ۳. شیم چون روز ← مشبه: شب / مشبه‌به: روز / ادات تشبیه: چون / وجه شبه: -

بررسی سایر گزینه‌ها:
 گزینۀ «۲»: برای پیدا کردن مشبه در این بیت، مانند روش پیدا کردن نهاد عمل می‌کنیم.
 چه کسی در دام آورد؟! ← مشبه: او (معشوق) / مشبه‌به: صیادان / ادات تشبیه: چو / وجه شبه: در دام آوردن (چون از ویژگی‌های صیاد، به دام انداختن است).
 گزینۀ «۳»: مشبه: من / مشبه‌به: لاله / ادات تشبیه: چون / وجه شبه: خونین دل بودن
 گزینۀ «۴»: مشبه: خود / مشبه‌به: عنکبوت / ادات تشبیه: چون / وجه شبه: تار تنیدن

۷۷۲. **گزینۀ ۳** از روش پیدا کردن نهاد استفاده می‌کنیم:

چه کسانی به کردار صدف گرد بر گردش [بودند]؟ آن‌ها = مشبه که در جمله ذکر نشده است.

۷۷۳. **گزینۀ ۴** تشبیهات این بیت:

۱. مرغ دل ← «دل» به «مرغ» (پرنده) تشبیه شده است.
۲. دام زلف ← تشبیه «زلف» به «دام»
۳. دانه خال ← تشبیه «خال» صورت به «دانه»
۴. طایر اندیشه ← تشبیه «اندیشه» به «طایر» (پرنده)
۵. دام هوس ← تشبیه «هوس» به «دام»

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینۀ «۱»: خار بلا ← تشبیه «بلا» به «خار» / گل چهره ← تشبیه «چهره» به «گل»

گزینۀ «۲»: سیل اشک ← تشبیه «اشک» به «سیل»

گزینۀ «۳»: سروی است قامت تو ← تشبیه «قامت تو» به «سرو» / ماهی است عارض تو ← تشبیه «عارض تو» به «ماه»

۷۷۴. **گزینۀ ۱** ۱. به‌سان خاک ۲. چو جان ۳. چو عقل

حواستان باشد! وقتی یک مشبه، به دو یا چند مشبه‌به تشبیه می‌شود، به تعداد مشبه‌به‌ها، تشبیه داریم.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینۀ «۱»: دانه خال ← تشبیه «خال» به «دانه» / مرغ خرد ← تشبیه «خرد» به «مرغ»

گزینۀ «۳»: «دیده» به «طاووس» تشبیه شده است.

گزینۀ «۴»: چنبر عشق ← تشبیه «عشق» به «چنبر» / ریسمان فراق ← تشبیه «فراق» به «ریسمان»

۷۷۵. **گزینۀ ۳**

۱. تشبیه «گل» به «یوسف»

۲. تشبیه «عالم پیر» به «زلیخای جوان»

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینۀ «۱»: تشبیه «چشم» به «نرگس» / تشبیه «روی» به «گل» / تشبیه «قامت» به «شمشاد»

گزینۀ «۲»: تشبیه «من» به «ستون» / تشبیه «غم» به «خانه» / تشبیه «غم» به «بار»

گزینۀ «۴»: تشبیه «تو» به ۱. سرو جویبار ۲. لاله بهار ۳. حور دلربا

۷۷۶. **گزینۀ ۲** تشبیهات:

۱. عقاب جور ← تشبیه «جور» به «عقاب»

۲. تیر آه ← تشبیه «آه» به «تیر»

۳. کمان گوشه‌نشینی ← تشبیه «گوشه‌نشینی» به «کمان»

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینۀ «۱»: تشبیه «زلف» به «کمند»، «ابرو» به «کمان»، «قامت» به «سرو»، «روی» به «بهار» ← ۴ تشبیه

گزینۀ «۳»: تشبیه «من» به «خار» و «خاک»، «تو» به «آفتاب» و «ابر» ← ۴ تشبیه

گزینۀ «۴»: تشبیه «زلف» به «شب»، «لحظه» به «روز»، «روز» به «هفته»، «هفته» به «ماه» ← ۴ تشبیه

۷۷۷. **گزینۀ ۴** بیت فقط یک تشبیه دارد: تشبیه «ما» به «در مکنون»

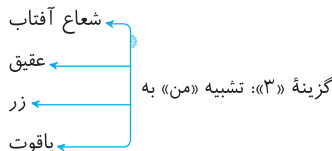
بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینۀ «۱»: ۱. «ایام گل» ← به «رفتن عمر» تشبیه شده است.

۲. «بادۀ گلگون» ← «باده» از نظر سرخی به «گل» تشبیه شده است («گون» را می‌توان ادات تشبیه به حساب آورد).

گزینۀ «۲»: ۱. «خورشید عشق» ← تشبیه «عشق» به «خورشید»

۲. «نور عشق» ← تشبیه «عشق» به «نور»



۷۷۸. **گزینۀ ۴** در «اضافۀ تشبیهی» باید بتوان گفت که «مضاف‌الیه» مانند «مضاف» است.

با این روش، تنها ترکیب‌های گزینۀ «۴» همگی رابطه همانندی را دارند.

۷۷۹. **گزینۀ ۲** بررسی همه گزینه‌ها:

گزینۀ «۱»:

۱. تشبیه «رفتار» (راه رفتن) به «سرو»

۲. تشبیه «قامت» به «صنوبر»

۳. تشبیه «رخسار» به «ماه»

۴. تشبیه «منظر» به «ملایک»

گزینۀ «۲»:

۱. تشبیه «بر» دلدار به «سمن»

۲. تشبیه «رخ» دلدار به «گل»

۳. تشبیه «دلدار» به «صنم»

گزینۀ «۳»:

۱. تشبیه «فژ» معشوق به «هما»

۲. تشبیه «حسن» معشوق به «طاووس»

۳. تشبیه «نطق» معشوق به «طوطی»

۴. تشبیه «رفتار» و «حرکت» معشوق به «تذرو»

گزینۀ «۴»:

۱. تشبیه «زلف» معشوق به «بتفنه»

۲. تشبیه «بر» معشوق به «نسرین»

۳. تشبیه «معشوق» به «سمن‌بو»

۴. تشبیه «حسن» معشوق به «ماه»

۷۸۰. **گزینۀ ۳** در این بیت اصلاً آرایه «تشبیه» به کار نرفته است. «چو» در معنای «وقتی که» است.

۷۸۱. **گزینۀ ۱** در «تشبیه گسترده» هر چهار رکن یا سه رکن تشبیه باید ذکر شده باشند.

در گزینۀ «۱» تشبیه «شراب عشق» تنها دو رکن مشبه و مشبه‌به را دارد؛ بنابراین «تشبیه فشرده» است.

۷۸۲. **گزینۀ ۳** در این بیت «تشبیه» به کار نرفته است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینۀ «۱»: «ضمیر دوست» به «جام جهان‌نما» تشبیه شده است. «ادات» و «وجه شبه» در بیت دیده نمی‌شود. ← تشبیه فشرده و چون به صورت جمله اسنادی آمده ← تشبیه فشرده (بلیغ) اسنادی

۱۰۶۶. **گزینه ۱** در این بیت «جیب تفکر» استعارهٔ مکنیه است. همچنین در مصراع دوم «سر به گریبان کشیدن جرس» تشخیص و استعارهٔ مکنیه دارد. «سر به گریبان کشیدن» نیز کنایه از عزلت‌گزینی است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: در این گزینه تنها یک استعاره وجود دارد: «بتان» استعاره از زیبارویان. کنایه: «قمار باختن» کنایه از «از دست دادن»

گزینه «۳»: این بیت استعاره ندارد. دو کنایه در بیت دیده می‌شود. «تنگ آمدن حوصله» کنایه از «از دست دادن طاقت» و «تیر به سنگ آمدن» کنایه از «دست نیافتن به هدف»

گزینه «۴»: در این بیت تنها یک استعاره به کار رفته: «در دل». کنایه‌ای در آن دیده نمی‌شود.

۱۰۶۷. **گزینه ۳** در این بیت تکرار صامت «ب» و «گ» در مصراع اول دیده می‌شود. اما واژگان در معنای واقعی خود به کار رفته‌اند و مجازی ایجاد نکرده‌اند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: مرغ دل: تشبیه - کف: مجاز از کل پنجهٔ دست
گزینه «۲»: طایر معنی: اضافهٔ تشبیهی - «خون در جگر کردن» کنایه از عذاب دادن

گزینه «۴»: تشبیه مرچج: رخ تو از گل هم زیباتر است. - استعاره: چشم رخنهٔ دیوار

نکته: دقت کنید در گزینه «۱» منظور از «کاغذ باد»، کاغذ بادبادکی است.

۱۰۶۸. **گزینه ۳** آرایه‌های مشترک بیت صورت سؤال و گزینه «۳» تشبیه و کنایه است.

بیت صورت سؤال: دل من (شاعر) چون لاله - «چشم داشتن» کنایه از انتظار داشتن / گزینه «۳»: دختر رز چون آدم - «جرم بر گردن گرفتن» کنایه از پذیرفتن جرم

بررسی آرایهٔ سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «دیدهٔ امید»: استعاره - «دیده سفید شدن»: کنایه از کور شدن و «چشم داشتن» کنایه از توقع داشتن. این بیت با «تشبیه» رد می‌شود.

گزینه «۲»: «نخل عیش» اضافهٔ تشبیهی - «گل» در مصراع دوم استعاره از منفعت و سود است. این بیت با کنایه رد می‌شود.

گزینه «۴»: «دل از هم گشتن» کنایه از بی‌مهری به یکدیگر. این بیت نیز با تشبیه رد می‌شود.

۱۰۶۹. **گزینه ۴** این بیت «بی‌قراری قلب عاشق برای رسیدن به محبوب» را به تصویر کشیده، در صورتی که در سایر ابیات مفهوم «قطع تعلق از اسباب دنیوی» دیده می‌شود.

واژه‌های تداعی‌کننده: گزینه «۱»: تو مرغ جاربری، با بام و نردبام کاری نداری. / گزینه «۲»: ز جان و تن برهیدی / گزینه «۳»: سبک‌تر پیاده شو، بر تن سوار مباش.

۱۰۷۰. **گزینه ۲** مفهوم مشترک ابیات «الف» و «ت»: جلوه‌گر شدن یار (خداوند) در پدیده‌ها.

واژه‌های تداعی‌کننده: بیت «الف»: آفتاب و مه از نور او سخا می‌یابند. بیت «ت»: تو آفتابی که در هزار آنگینه (شیشه) پدیدار شده‌ای.

مفهوم سایر ابیات: بیت «ب»: عظمت خدا و درک محدود انسان / بیت «پ»: توصیف عاشقی و رسیدن به فنا

۱۰۷۱. **گزینه ۲** کلید فهم این بیت واژهٔ «رعونت» است. این کلمه به معنی «مفرور شدن» به کار رفته و دانستن معنای آن در فهم بیت به ما کمک می‌کند: گوشه‌نشینی، غرور نفس می‌آورد همان‌طور که ادعا و گردن‌فرازی سگ نشسته از ایستاده بیشتر است.

مفهوم بیت: توصیه به ترک عزلت

۱۰۷۲. **گزینه ۱** بیت «ب»: عالم از نور روی تو روشنی یافت = عنایت عشق / بیت «ت»: جان از عهد الست (از ازل) با جانان در وحدت است. = ازلی بودن عشق / بیت «الف»: عشق تو کف بزند، صد عالم نو ایجاد می‌کند = قدرت عشق / بیت «پ»: با سوز عشق جهان کفر و ایمان را بر هم زن = از کفر و ایمان بگذر = پاکبازی در راه عشق

۱۰۵۵. **گزینه ۲** «مکاتیب» و «مجالس سبعة» هر دو از مولوی، «نفحات الانس» و «تحفة الاحرار» هر دو از جامی، «رسالهٔ دلگشا» و «صد پند» از عبید زاکانی و «عشاق‌نامه» و «لمعات» اثر فخرالدین عراقی است.

۱۰۵۶. **گزینه ۴** «ملاحسین واعظ کاشفی» در قرن‌های هفتم و هشتم کلبه و دمنه را بازنویسی کرد و آن را انوار سهیلی نامید.

۱۰۵۷. **گزینه ۱** این بیت از «سیف فرغانی» است. توصیهٔ ما به شما: به نام سرایندگان و نویسندگان آثار در خودارزیابی‌های کتاب درسی دقت کنید.

۱۰۵۸. **گزینه ۴** در سه گزینهٔ اول سبک ابیات، خراسانی است اما در بیت گزینهٔ چهارم سبک عراقی مشهود است.

در ابیات گزینه‌های «۱»، «۲» و «۳» شاعر به مدح سلطان و ممدوح خویش پرداخته است که از مضامین مهم سبک خراسانی است. در بیت گزینه «۱» قدرتمندی و اثرگذاری ممدوح، در گزینه «۲» جنگاوری و قدرتمندی ممدوح و در گزینه «۳» رزم‌آوری او مورد تحسین قرار گرفته است. همان‌طور که می‌بینید این ویژگی کاملاً «عینی و مادی» است. اما در گزینه «۴» قدرت جان‌بخشی معشوق مورد ستایش است که امری ذهنی و غیرواقعی است. همچنین جنبهٔ زمینی یا الهی بودن معشوق بیت گزینهٔ «۴» بر ما پوشیده است. از سوی دیگر به کار گرفتن ترکیب عربی «عظم مریم» اشارهٔ خوبی به ویژگی‌های زبانی سبک عراقی است.

۱۰۵۹. **گزینه ۳** سادگی و برکنار بودن این بیت از آرایه‌های ادبی یادآور سبک خراسانی است.

در سایر ابیات ویژگی‌های ادبی سبک هندی به این ترتیب است:

گزینه «۱»: استفاده از آرایهٔ «اسلوب معادله»

گزینه «۲»: استفاده از «حس آمیزی» در ترکیب «شنیدن با کمک دیده (چشم)»
گزینه «۴»: استفاده از ردیف‌های شعری طولانی: یاد می‌آید مرا

۱۰۶۰. **گزینه ۲** چینش هجاها در بیت صورت سؤال و گزینه «۲» هر دو به این صورت است: -UU / -UU / -UU / -UU / -UU / -UU
اما در سایر گزینه‌ها رکن «-U» به صورت کامل و چهار بار تکرار شده: «مستغفلن مستغفلن مستغفلن مستغفلن»

۱۰۶۱. **گزینه ۳**

شو	ق	ق	رُ	حَت	پَر	دِ	ی	عَق	لَم	ذَ	رید
-	U	U	-	-	-	U	U	-	-	U	-

نکته: مصوت «شو» در واژهٔ «شوق» را بلند در نظر بگیرید. وزن در سایر گزینه‌ها به درستی ذکر شده است.

۱۰۶۲. **گزینه ۴** وزن این بیت از چهار بار تکرار رکن «مفاعیلن» تشکیل شده و فاقد وزن دوری است.

وزن دوری در سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن

گزینه «۲»: مفعول مفاعیلن متعطل مفاعیلن

گزینه «۳»: مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن

۱۰۶۳. **گزینه ۱** بیت دو هجای کشیده دارد:

حکم:	حُک	م
کار:	کَا	ر

وزن بیت دوری است: مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن / هر دو مصراع با هجای بلند «در» آغاز شده است. / بیت فاقد حذف همزه است.

۱۰۶۴. **گزینه ۴** استعاره: طواف کردن دل و نشستن آن: استعارهٔ مکنیه و تشخیص / مجاز: «شیشه» مجاز از جام می است. علاقهٔ به‌کاررفته در این مجاز: «جنسیت» است. / تشبیه: دل چو پیمانه / جناس: «پر» و «در»

۱۰۶۵. **گزینه ۲** ۱- موج می / ۲- موج می همچون تیغ / ۳- جلوهٔ گل همچون آتش / ۴- دل چون نرگس مست (چشم) / ۵- دفتر معرفت / ۶- دل که به هوای شراب افتاده همچون دفتری است که بر آب افکنده شده: تشبیه مرکب / ۷- اشک چون سیم / ۸- چهره چون زر / ۹- عشق پنداری سیلاب است.

ادارت تشبیه